



منطق حقوق

(کاربرد منطق و استدلال عقلی در علم حقوق)

دکتر محمدرسلول آهنگران



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تابستان ۱۴۰۰

آهنگران، محمدرسول، ۱۳۴۹ -

منطق حقوق (کاربرد منطق و استدلال عقلی در علم حقوق) / محمدرسول آهنگران؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰، (۱۴ ص) - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۷۴: حقوق و فقه اجتماعی؛ ۶۰)

ISBN: 978-600-298-351-0

بها: ۲۳۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه، ص. [۱۲۵] - ۱۳۲؛ همچنین به صورت زیرنویس، نمایه.

۱. حقوق -- تفسیر و استنباط. ۲. Law -- Interpretation and construction. ۳. حقوق -- فلسفه.

۴. Law -- Philosophy. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۳۴۰

K۲۹۰

۷۶۴۶۸۹۱

شماره کتابشناسی ملی



www.ketab.ir

منطق حقوق (کاربرد منطق و استدلال عقلی در علم حقوق)

مؤلف: محمدرسول آهنگران (استاد دانشگاه تهران)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیده حسینیان

صفحه آرای: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۰

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات)

۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰ (نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار
۸.....	مقدمه کتاب

فصل اول: معرفی منطق

۹.....	۱-۱. تعریف علم منطق
۱۲.....	۲-۱. آشنایی با مباحث منطق
۱۳.....	۳-۱. انواع منطق
۱۵.....	۱-۳-۱. منطق ارسطویی
۱۵.....	۲-۳-۱. منطق رواقی
۱۷.....	۳-۳-۱. منطق ریاضی یا منطق صوری جدید
۱۹.....	۴-۱. فایده منطق

فصل دوم: ضرورت آموختن منطق برای علم حقوق

۳۱.....	۱-۲. ضرورت آموختن منطق برای قوانین وضع شده
۴۱.....	۲-۲. ضرورت آموختن منطق برای وضع قوانین جدید

فصل سوم: مفاهیم و قضایای حقوقی

۵۱.....	۱-۳. تقسیم‌بندی مفاهیم در منطق و تحلیل مفاهیم حقوقی
۵۲.....	۱-۱-۳. انواع تقسیم‌بندی مفاهیم در منطق
۵۲.....	۱-۱-۱-۳. تقسیم‌بندی از جنبه کلیت و جزئیت
۵۳.....	۱-۱-۱-۱-۳. نسبت میان دو مفهوم کلی
۵۴.....	۱-۱-۱-۱-۱-۳. نسبت تساوی
۵۴.....	۱-۱-۱-۱-۱-۲. نسبت عموم و خصوص مطلق
۵۴.....	۱-۱-۱-۱-۱-۳. نسبت عموم و خصوص من وجه

۵۵.....	۳-۱-۱-۱-۱-۴. نسبت تباین
۵۵.....	۳-۱-۱-۱-۲. تقسیم‌بندی مفهوم کلی
۵۶.....	۳-۱-۱-۲-۱. وجود فایده برای تقسیم
۵۶.....	۳-۱-۱-۲-۲. وجود تباین میان اقسام
۵۷.....	۳-۱-۱-۲-۳. وجود جهت واحد
۵۸.....	۳-۱-۱-۲. تقسیم‌بندی از جنبهٔ بدیهی و نظری بودن
۵۹.....	۳-۱-۱-۲-۱. دوری نبودن تعریف
۵۹.....	۳-۱-۱-۲-۲. لزوم تساوی میان معرف و معرف
۶۰.....	۳-۱-۱-۲-۳. اجلی بودن معرف از معرف
۶۱.....	۳-۱-۱-۲-۴. لزوم ذکر اعم قبل از اخص در تعریف
۶۱.....	۳-۱-۱-۲-۵. استفاده از الفاظ واضح در تعریف
۶۱.....	۳-۱-۱-۳. تقسیم‌بندی از جنبهٔ حقیقی و اعتباری بودن
۶۲.....	۳-۱-۱-۳-۱. مفهوم حقیقی
۶۲.....	۳-۱-۱-۳-۱-۱. موجودات خارجی
۶۲.....	۳-۱-۱-۳-۱-۲. ماهیت و رتبهٔ ذات اشیا
۶۳.....	۳-۱-۱-۳-۱-۳. عناوین انضمامی
۶۴.....	۳-۱-۱-۳-۲. مفهوم اعتباری
۶۵.....	۳-۱-۲. تحلیل مفاهیم حقوقی
۶۵.....	۳-۱-۲-۱. مفاهیم کلی و جزئی در حقوق
۶۵.....	۳-۱-۲-۱-۱. لزوم تشخیص نسبت میان مفاهیم کلی در حقوق
۷۰.....	۳-۱-۲-۱-۲. ضرورت رعایت ضوابط منطقی در تقسیم مفاهیم کلی حقوق
۷۳.....	۳-۱-۲-۲. مفاهیم بدیهی و نظری در حقوق
۷۷.....	۳-۱-۲-۳. مفاهیم حقیقی و اعتباری در حقوق
۸۱.....	۳-۲. تقسیم‌بندی و احکام قضایا در منطق و تحلیل قضایای حقوقی
۸۲.....	۳-۲-۱. تقسیم‌بندی قضایا در منطق
۸۳.....	۳-۲-۱-۱. تقسیم‌بندی براساس مفرد یا قضیه بودن موضوع و محمول
۸۵.....	۳-۲-۱-۲. تقسیم‌بندی براساس شخصی یا کلی بودن موضوع
۸۵.....	۳-۲-۱-۳. تقسیم‌بندی براساس نحوهٔ وجود موضوع
۸۷.....	۳-۲-۱-۴. تقسیم‌بندی براساس محمول
۸۷.....	۳-۲-۱-۵. تقسیم‌بندی براساس نسبت حکمیه
۸۸.....	۳-۲-۱-۶. تقسیم‌بندی براساس کیفیت محمول به موضوع
۸۸.....	۳-۲-۲. احکام قضایا
۸۸.....	۳-۲-۲-۱. نسبت میان قضایا
۹۱.....	۳-۲-۲-۲. عکس در قضایا
۹۲.....	۳-۲-۳. تحلیل قضایای حقوقی

فصل چهارم: ضوابط منطقی استدلال عقلی و جایگاه استدلال عقلی در حقوق

۹۹.....	۱-۴. ضوابط منطقی استدلال عقلی.....
۱۰۰.....	۴-۱-۱. روش استدلال قیاسی.....
۱۰۴.....	۴-۱-۲. روش استقرایی.....
۱۰۷.....	۴-۱-۳. روش تمثیلی.....
۱۱۰.....	۴-۲. جایگاه استدلال عقلی در علم حقوق.....
۱۱۱.....	۴-۲-۱. استدلال به روش قیاس در علم حقوق.....
۱۱۵.....	۴-۲-۲. استدلال به روش استقرایی در علم حقوق.....
۱۲۰.....	۴-۲-۳. استدلال به روش تمثیلی در علم حقوق.....
۱۲۵.....	مراجع.....
۱۳۳.....	نمایه اصطلاحات.....

www.ketab.ir

پیشگفتار

منطق علم یا فنی ابزاری است؛ ابزاری برای پیمودن راه صحیح در کشف حقایق، اعم از حقایق تصویری و تصدیقی. حقایق تصویری مفاهیم مفرد است و منظور از آن کشف چیزهایی است که ذات شیء را تشکیل می‌دهد، ولی حقایق تصدیقی آن دسته از امور است که مربوط به کشف امور خارج از ذات شیء است و غالباً ترکیبی دارد و به صورت جمله بیان می‌شود. کشف امور تصویری به وسیله تعریف صورت می‌گیرد و کشف امور تصدیقی از راه استدلال.

منطق ابزاری برای سنجش سره از ناسره است؛ اعم از آنچه مربوط به حوزه تعریف است و آنچه با نحوه استدلال ارتباط دارد. پس به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: ۱. تعریف؛ ۲. استدلال. در بخش نخست، چارچوب و شروط تعریف صحیح بیان می‌شود و در بخش دوم، ضوابطی توضیح داده می‌شود که برای ارائه استدلال صحیح و نتیجه بخش، لازم است.

بنابراین نیازمندی به منطق از دو جهت است: ۱. تعیین چارچوب درست برای تعریف مناسب؛ ۲. تعیین ضوابط صحیح برای استدلال مطلوب. منطق ترازویی را ماند که براساس آن از یکسو می‌توان عیار درستی تعریف را سنجید و از سوی دیگر می‌توان صحت استدلال را ارزیابی کرد.

حقوق، علم قانون است و قانون چنان که در لغت به معنای خط کش است، درصدد تعیین مرز برای رفتار انسان‌ها در عرصه اجتماع است؛ مرزی که محدوده مجاز و معیارهایی را مشخص می‌کند که براساس آن می‌توان تجاوزگر از حد در زندگی جمعی انسان‌ها را شناسایی کرد. بدین ترتیب درصدد است محیط اجتماع را از تنازع مصون نگاه دارد و تنازعات به وجود آمده را حل و فصل کند.

علم حقوق هم در کار تدوین قانون به کار می‌آید و هم در شرح و هم در اجرای آن و در هریک از این عرصه‌ها باید به صورت ضابطه مند عمل کند: از یکسو ضوابط تعریف جامع و مانع را، که راه هرگونه اختلاف در آن بسته باشد، مشخص کند و از سوی دیگر در میان انواع

اختلافاتی که در مسیر تدوین قوانین و نیز در زمینه شرح و اجرای آن وجود دارد، ضوابط را برای استدلال صحیح مشخص کند؛ ضوابطی که براساس آن بتوان دست به انتخاب زد و استدلال درست و نتیجه‌بخش را از غیر آن تشخیص داد.

حقوق‌دان با آشنایی منطق است که می‌تواند ضابطه‌مندی را بیاموزد و در کار خویش از آن بهره گیرد و روشن است که تا ضابطه‌ها در هر عرصه‌ای مشخص نشود، اختلافات باقی خواهد ماند؛ چنان‌که اختلاف به‌وجودآمده درباره وزن شیء مشخص را تنها به‌وسیله ترازویی دقیق می‌توان فیصله داد. اگر اظهارنظر حقوق‌دان ضابطه‌مند و دقیق نباشد، تلاشی بی‌ثمر خواهد بود. برای نتیجه‌بخش بودن تلاش در جهت جلوگیری از اختلاف و رفع آن به منطق نیاز است. البته صرف آشنایی کافی نیست، بلکه استمرار و مداومت در استفاده از قواعد منطقی نیز ضروری خواهد بود.

مطلب مقدماتی دیگری که توجه به آن ضروری می‌نماید این است که آیا میان منطق حقوق با کاربرد منطق در علم حقوق تفاوت وجود دارد یا خیر. دو دیدگاه در این زمینه مطرح است. بنا بر یکی از آن دو، منطق حقوق با کاربرد منطق صوری در علم حقوق تفاوت دارد و این تفاوت از این نکته برمی‌خیزد که موضوع منطق حقوق به‌عنوان شاخه‌ای از فلسفه حقوق عبارت است از مباحث خاصی که تنها حاکم بر تفسیر و استدلال حقوقی است، چنان‌که هر علمی اقتضای منطق خاصی را دارد، حقوق نیز منطقی خاص می‌طلبد. بر این اساس باید حقوق را از تابعیت منطق عمومی خارج دانست و قائل به منطقی خاص با ویژگی‌هایی منحصر به فرد برای آن شد.

منظور اصلی و حقیقت پوشیده در الفاظ مبهم در دیدگاه فوق زمانی کاملاً آشکار می‌شود که به دلایل مطرح‌شده، توجه کرد و به بررسی مستندات پرداخت که هدف از طرح آن تبیین جدایی دو مقوله مذکور است. کسانی که دیدگاه فوق را برگزیده‌اند، اولاً استشهاد کرده‌اند به اینکه امروزه بیشتر صاحب‌نظران با سیطره منطق صوری بر حقوق مخالفت ورزیده و بر لزوم تبعیت نتایج حقوقی از عدالت و انصاف و عقلانیت عرفی پافشارده‌اند؛ ثانیاً گفته‌اند حقوق علمی اعتباری است و علی‌القاعده باید منطق حاکم بر آن با منطق حاکم بر علوم حقیقی تفاوت داشته باشد.

از نظر راقم این اثر، دیدگاه فوق مخدوش است و صحیح این است که علم حقوق از منطق عمومی تبعیت می‌کند و قواعد مختص به این علم، در قالب و چارچوب قواعد منطق عمومی، امکان رسیدن به نتیجه را فراهم می‌کند و هر ارزیابی‌ای دانسته یا ندانسته و به‌صورت ارتكازی و ناخودآگاه، با در نظر گرفتن قواعد مزبور صورت می‌گیرد و از این رو میان منطق حقوق با کاربرد منطق صوری در حقوق تفاوتی وجود ندارد.